

مشارکت و توسعه اقتصادی - اجتماعی

مفهوم توسعه در علوم اجتماعی در بردارنده‌ی معانی گوناگونی است. علت اصلی این تنوع تعاریف، به وجود نظرگاههای تئوریک گوناگون مربوط میشود. زیرا هر یک با ارائه‌ی تعبیری خاص از توسعه، هدف خاصی را دنبال می‌کنند. برای روشن شدن مفهوم مشارکت و میزان اهمیت آن در توسعه اقتصادی - اجتماعی، بیان اجمالی دیدگاهها توسعه ضرورت دارد که در زیر به این مقوله می‌پردازیم:

توسعه در نظریه نوسازی Modernization به مرحله انتقالی از جامعه سنتی به صنعتی اطلاق گردیده است. جامعه‌ای که این انتقال را به خوبی به انجام برساند، توسعه یافته خوانده میشود؛ و جامعه‌ای که در جهت این روند انتقالی باشد در حال توسعه تلقی می‌گردد. اساس طرح انتقال جامعه از مرحله‌ی ساده به پیچیده، گذر از یکسانی به تنوع و تمایز پذیری است. بدین معنی که جامعه‌ی اولیه در بردارنده‌ی روابط یکسان و همانند افراد با کمترین تخصص و تقسیم کار و جامعه جدید متکی بر تمایز پذیری است. تمایز پذیری بر اساس مکانیزمهایی چون تعلیم و تربیت، تقسیم کار اجتماعی، جدایی دین از سیاست، تخصص گرایی، تجارت و کنترل زادوولد تحقق یافته و خود عامل تغییرات جدیدی چون افزایش درآمد سرانه، افزایش تجارت افزایش سطح آموزش عمومی و تخصصی، درمان، بهداشت، کنترل مولید و غیره بوده است. در دیدگاه نوگرایی یا نوسازی، مجموع این تغییرات توسعه تلقی گردیده است.

دیدگاه مارکسی به تغییر در ساختار اقتصادی جامعه، روابط، و شیوه تولید توجه نموده است. در این دیدگاه جامعه‌ای در

روند توسعه قرار دارد که در جهت تبدیل ساختارش از مرحله فنودالی یا پیش فنودالی به سرمایه‌داری قرار داشته باشد. در این روند، روابط، و شیوه تولید تغییر می‌یابد و جامعه دچار تحول و دگرگونی می‌گردد و در اثر پیدایش سیستم سرمایه‌داری، توسعه تحقق می‌پذیرد.

با اینکه تفاوت‌هایی بین این دو دیدگاه وجود دارد، وجوه اشتراک چندی نیز به چشم می‌خورند: نخست، هر دو دارای جهت خطی هستند، بدین معنی که متکی به گذر جامعه از مرحله‌ی ساده به پیچیده (سرمایه‌داری) می‌باشند. دوم، وجود مرحله‌ی جدید نشانه‌ی توسعه می‌باشد. سوم، بر اساس هر دو نظریه الگو برداری از جهان سرمایه داری طریق وصول به توسعه تلقی شده است، و چهارم، کمتر به ساختار کشورهای جهان سوم توجه نموده‌اند.

با توجه به این نارساییها در تعریف مفهوم توسعه، دیدگاههای دیگری چون «وابستگی»، «نهادی» و «سیستم جهانی» بوجود آمده‌اند. دیدگاه وابستگی و سیستم جهانی بیشتر متأثر از مارکسیسم‌اند و دیدگاه نهادی متأثر از نظریه نوسازی است. نظریه‌ی وابستگی - با وجود تنوع برداشت - نحوه‌ی ارتباط کشورهای سرمایه داری و جهان سوم را مورد توجه قرار داده است. در این دیدگاه، دلایل اصلی عقب ماندگی و توسعه نیافتگی جهان سوم به ساختار نظام سرمایه‌داری ارتباط داده شده است (فرانک ۱۹۶۷).

در ایت صورت توسعه صرفاً یک مقوله‌ی مختص به جامعه‌ی سرمایه‌داری است و توسعه نیافتگی ویژگی جهان سوم می‌باشد، زیرا به لحاظ انتقال ثروت به غرب و نوع تجارت بین‌المللی هیچ انباشتگی ثروت و کالا (توسعه) در

دکتر تقی آزاد ارمکی

جهان سوم صورت نمی‌گیرد.

نظریه سیستم جهانی World System

والرشتاین، Immanuel Wallerstein

(۱۹۷۸ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۴) مطرح کرد

اساس این نظریه، نحوه‌ی شکل‌گیری سیستم اقتصاد جهانی است. او معتقد است

که سیستم اقتصاد جهانی در قرن پانزدهم در اثر بحران در نظام فنودالی از سه طریق

۱. گسترش جغرافیایی ۲. تقسیم کار جهانی ۳. روابط بین دولتها، بوجود آمده است

حالت جدید سیستم اقتصاد جهانی، نوع توسعه‌ی جهانی را در پی داشته است

سیستم اقتصاد جهانی متشکل از سه بخش مرکزی (Core)، اقماری (Periphery) و

نیمه اقماری (Semi-Periphery) می‌باشد. بخش مرکزی بر اساس تولید کالاهای

صنعتی و صادرات آن به جهان اقماری در مقابل وارد نمودن مواد اولیه و وجود سیستم

اداری، نظامی و تکنولوژی قوی مشخص می‌گردد. کشورهای آمریکا و ژاپن در این

حوزه قرار دارند. در مقابل بخش مرکزی، بخش اقماری است که متکی بر صادرات

مواد اولیه و واردات تکنولوژی، مواد و کالاهای صنعتی بوده، از سیستم اداری و

نظامی ضعیفی برخوردار است. اکثر کشورهای جهان سوم در این دسته جای

می‌گیرند. بخش نیمه اقماری شامل کشورهای است که در حد وسط قرار

داشته، بطور نسبی از تکنولوژی قوی برخوردار می‌باشند. کشورهای چین، برزیل، تایوان، کره، سنگاپور و هنگ کنگ

در این دسته جای می‌گیرند. در این دیدگاه توسعه نوع رابطه‌ی تجارتی بی‌اطلاق

می‌گردد که در جهت استحکام سیستم اقتصاد جهانی باشد.

دیدگاه نهادی
(Institutional Perspective)،

تجدید و توسعه یافته‌ای از نظریه‌ی
همکاری است که به موثر بودن نقش
سازمانها و نهادهای اجتماعی در توسعه‌ی
اقتصادی - اجتماعی توجه دارد. در این
نگاه، توسعه به تغییرات نهادی و
سازمانی اطلاق می‌گردد که تامین
کننده‌ی تنوع و گوناگونی جوامع بوده،
در جهت افزایش درآمد سرانه و تجارت
براساس عمل گردد.

با نگاهی گذرا بر تئوریهای پیش
گفته، روشن می‌گردد که توسعه در
دوره‌های مفهومی اقتصادی در یک جریان
جهانی بوده، به نتایج حاصل از مشارکت
اقتصاد بین‌المللی اطلاق گردیده است.
در این مفهوم از توسعه، کمتر درباره‌ی
بهبود وضعیت مردم و بهبود شرایط
فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اقشار کم
درآمد بحث به میان آمده است. از اینرو، به
نیل وجود این نقایص، از توسعه تفسیر و
معیار دیگری نیز عرضه شده است؛ در
دیدگاه جدید توسعه، چون بهبود شرایط
زندگی اکثریت مردم یا طبقه‌ی پایین جامعه
منضم شرافت انسانی، امنیت، عدالت و
برابری است، لذا توسعه یک امر محلی و
مردمی است که هدف گیری آن بیش از
آنکه مسائل صرفاً اقتصادی باشد مسائل
انسانی - اقتصادی است.

با وجود چندگانگی در تعریف توسعه،
تأکید بر مسایل انسانی و اقتصادی وجه
مشترک همه‌ی دیدگاههاست و مسایلی
چون درآمد سرانه، میزان نیروی شاغل در
واحدهای صنعتی و مصرف نیروی برق بیش
از بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی
ملقی به پایین جامعه مورد توجه است. در این

صورت کشور یا جامعه‌ای در حال توسعه
خوانده میشود که دارای ویژگیهای سه
گانه‌ی فوق باشد. در این دیدگاه، جامعه‌ی
دارای بافت کشاورزی به عنوان جامعه‌ی
عقب مانده تلقی می‌گردد؛ زیرا با معیار
«میزان بالای اشتغال مردان در واحدهای
صنعتی» مطابقت ندارد و در مقابل،
نیروهای انسانی در واحدهای کشاورزی
مشغول بکار می‌باشند. در تعریف مسلط
توسعه، کمتر به جنبه‌ی استقلال جامعه
توجه شده و بیشتر بر روند جهانی شدن
یعنی مشارکت در سیستم اقتصاد جهانی و
صنعتی شدن تأکید گشته است.

اینگونه تعریف و برداشت از توسعه که
مغایر با نحوه‌ی برداشت انسانی و استقلال
ملت‌هاست، بر تئوریهای موجود در علوم
اجتماعی مبتنی است. این تئوریها در
جوامع غرب رشد نموده و در جهت منافع
آن جوامع، گسترش یافته‌اند. بدین معنی که
الگو قرار دادن روند توسعه در جهان
سرمایه‌داری مورد تأکید بوده و اندازه‌گیری
میزان توسعه‌یافتگی نیز به واسطه آن معین
می‌گردد. اگر قصد بر بیان واقعی روند
توسعه در جهان سوم باشد، بایستی علاوه
بر معیارهای ارائه شده عوامل دیگری را نیز
بدان افزود. این معیارها می‌توانند بر ساختار
اجتماعی فرهنگی جهان سوم از قبیل میزان
بخش فعال در واحدهای کشاورزی و
صنایع دستی، خود کفایی و استقلال
سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مبتنی باشند.

دلایل طرح مشارکت مردمی در توسعه‌ی
اجتماعی - اقتصادی:

بر اساس ضعف‌های نظری و کاربردی
در دیدگاههای مطرح در توسعه، بحث
مشارکت توده‌ای ضرورت یافته است. شاید
علت اصلی این ضرورت به پدیده‌ی الگو

برداری از روند توسعه‌ی جهان سرمایه
داری در جهان سوم و برنامه‌ریزی متمرکز
مربوط باشد. تئوریهای مارکسیستی،
نوسازی و سیستم جهانی قالب از پیش
تعیین شده‌ای را برای توسعه جهان سوم
ترسیم می‌کنند. برنامه ریزان، برای تحقق
بخشیدن به این تئوریها در روند توسعه‌ی
جهان سوم، به وجود طراحی از پیش تعیین
شده، که الزاماً بر اساس طراحی متمرکزی
از بالا به پایین است، توجه نموده‌اند. جریان
برنامه‌ریزی برای توسعه در دهه‌های گذشته
مبتنی بر طراحی متمرکز (Blueprint) و
از بالا به پایین (UP - TO - DOWN) بوده است.
ولی در دهه ۱۹۸۰ توجه بسیاری از
اندیشمندان و برنامه ریزان اجتماعی به
طراحی جدیدی تحت عنوان از پایین به بالا
(DOWN - TO - UP) و مشارکت (Participation) معطوف
گردیده است.

«طراحی متمرکز» بر پیش فرض‌هایی
چند مبتنی است. اولاً: طراحی متمرکز
بر اساس صرفه‌جویی در وقت و هزینه
ضرورت یافته است. طرفداران این نوع
برنامه ریزی معتقدند که می‌توان با طراحی
متمرکز و دقیق از افزایش هزینه، زمان،
صرف امکانات و نیروی انسانی جلوگیری
نمود. ثانیاً: بین موفقیت طرحها بر اساس
بکارگیری وسایل و تکنولوژی و تخصص و
توسعه رابطه‌ی دو جانبه‌ای وجود دارد. به
لحاظ تخصصی تر شدن جامعه، امکان پیش
بینی روند حرکت‌های علمی - اجتماعی
امکان‌پذیر گشته است و طراحی متمرکز
سودمندی بیشتری دارد. ثالثاً: روند توسعه در
جهان سرمایه‌داری پیش بینی روند توسعه را
امکان‌پذیر ساخته، تجربیات موجود

در تعریف مسلط توسعه، کمتر به جنبه
استقلالی جامعه توجه شده
و بیشتر بر روند جهانی شدن یعنی مشارکت در
سیستم اقتصاد جهانی و صنعتی شدن تأکید گشته است.

راهگشای تنگنای فعلی و آتی می‌باشد. رابعاً: روند توسعه در کل جهان یک جریان یکسان و خطی می‌باشد؛ در اینصورت «طراحی از پیش» برای جهان سوم امکان‌پذیر است.

«طراحی متمرکز» یا «از بالا به پایین» دارای مشخصات زیر است: اولاً: متمرکز بوده، با یک سیستم اداری سازمان یافته کنترل می‌گردد، ثانياً: در بردارنده سلسله مراتب اجتماعی است ثالثاً: از بالا به پایین است رابعاً: در سازمانها یا مراکز بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، خامساً: از نیروی متخصص و آموزش دیده در روند توسعه استفاده می‌گردد. و بدین خاطر این نوع طراحی چنین تعریف شده است: «این برداشت با تکیه بر طراحی از پیش تعیین شده در بردارنده‌ی یک نظر علمی درباره‌ی چگونگی طراحی توسعه می‌باشد که براساس آن محققان بایستی اطلاعات لازم را تهیه کرده، به طراحی موثرترین برنامه‌ها، برای بدست آوردن نتایج مناسب بپردازند.» (Korten ۱۹۸۹)

همانطور که در بیان پیش فرضها، ویژگیها و تعریف «طراحی از پیش تعیین شده» عنوان گردید، این نوع برداشت و برنامه‌ریزی دارای فوایدی چند به شرح زیر می‌باشد:

۱. راهی برای جلوگیری از صرف هزینه، زمان و نیروی انسانی بیشتر است.
۲. موجب افزایش در بازدهی طرحها می‌گردد.

۳. سودمندی و بهره‌دهی طرحهای بزرگی چون سد سازی، صنایع بزرگ، جاده‌سازی، صنایع نظامی و ماشین سازی را بیشتر می‌نماید. شرایط بحرانی جلوگیری می‌گردد.

۴. در اثر محاسبه‌ی دقیق عوامل شرکت کننده در طرح، از ایجاد شرایط بحرانی جلوگیری می‌گردد.

۵. زمان، هزینه و امکانات لازم برای اجرای طرح به طور دقیق مشخص می‌شوند و افراد دست‌اندر کار می‌توانند از جریان کار اطلاع یافته، در صورت ایجاد اشکال یا

اشکالاتی به شناخت و سپس رفع آن بپردازند.

این برداشت در بردارنده‌ی نکات منفی نیز هست که همین نکات منفی راه دیدگاه «مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی - اجتماعی» را هموار ساخته است.

۱. با «طراحی از پیش» و تکیه بر اطلاعات و مطالعات قبلی، کمتر امکان پیش بینی حوادث خاص می‌رود. از اینرو انعطاف‌پذیری بسیار کمی داشته، در اثر تغییرات دچار آسیب می‌گردد.

۲. از بالا به پایین بوده و نقش کمتری برای نیروهای مشارکت کننده در نظر گرفته شده است.

۳. این نوع برداشت و طراحی، بیشتر با وضعیت سیستمهایی نظیر ارتش و دولت که مستلزم طراحی جامع و ثابت‌اند، متناسب است. (فریدمن ۱۹۸۴).

۴. در این نوع طراحی، جای کمتری برای ابداع و نوآوری در نظر گرفته می‌شود و از طرفی نوآوری خود موجب آسیب و خلل بر روند اجرای این طرح می‌باشد.

۵. این نوع طراحی مستلزم صرف هزینه‌ی مالی بسیار است، زیرا در بردارنده‌ی سیستم اداری، اجرایی و تحقیقی بسیار حجمی می‌باشد.

۶. انعطاف‌پذیری کمتری دارد و در برابر حوادث غیر قابل پیش بینی دچار بحران می‌گردد.

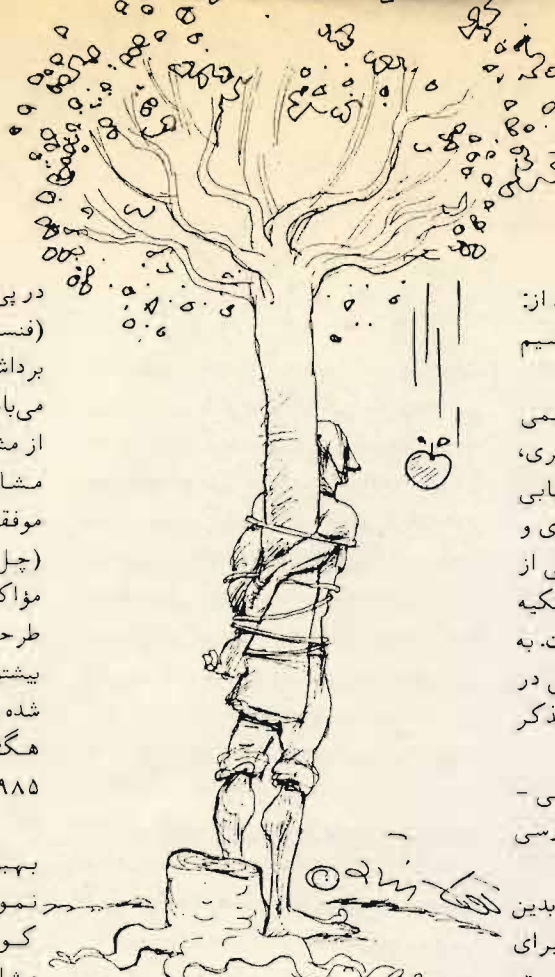
در جریان توسعه توأم با مشارکت مردمی، طرحها به نقاط گوناگون سرایت می‌کنند و مردم بدون اینکه نیازمند به مدیریت و کنترل از بالا باشند، به اجرای طرحهای مشابه خواهند پرداخت و از این رو به کاهش هزینه‌های دولت و بوروکراسی خواهد انجامید.

۷. این نوع طراحی، امکان اجرای بکارگیری کمتری در جهان سوم را دارد زیرا اولاً این کشورها بیشتر در جهت توسعه‌ی صنایع و واحدهای کوچکتر گام برمی‌دارند، ثانياً امکانات مورد نیاز از قبیل نیروهای متخصص و ماهر، کامپیوتر و دیگر انواع تکنولوژی برای این کشورها سادگی قابل تهیه نیست و ثالثاً سیستم اداری عریض و طویل و کم فایده‌ی این کشورها مشکل را افزون نموده، موجب اختلال بیشتر در اجرای طرحها می‌گردد.

در اثر بروز این اشکالات، نوع دیگر برنامه‌ریزی تحت عنوان «مشارکت» مطرح گردیده است. این نوع برداشت در برنامه‌ریزی و اجرا جهت مخالف «طراحی از پیش» را دارد و روابط در آن از پایین به بالا می‌باشد و در عین حال از کمتر متمرکز است. این نوع طراحی و برداشت، بیشتر با تعریف دوم از توسعه که متکی بر روابط انسانی و رفع نیازهای مردم است، تناسب دارد. طرفداران این برداشت، توسعه را این گونه تعریف کرده‌اند. «توسعه ما راهی به سوی یادگیری و ایجاد مهارت‌های جدیدی است که براساس آنها یک شخص بتواند محیط خویش را برای کسب موقعیت بهتر، رفع نیازهایش و تنظیم رابطه با دیگران بکار گیرد» (آلف Ackoff ۱۹۸۴).

تعریف مشارکت:

از مشارکت مردمی بعنوان یک مفهوم در جامعه شناسی تعاریف متعددی ارائه شده است. عده‌ای براساس گرایش‌های روان شناختی، روان شناسی اجتماعی و یا جامعه شناسی، آن را تعریف نموده‌اند. وار (Warr ۱۹۷۵) براساس گرایش روان شناسی اجتماعی، مشارکت را به درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی تعریف نموده است. به نظر می‌آید که این تعریف با آنچه که در جامعه شناسی توسعه مورد نظر است، تناسب بیشتری داشته باشد. مشارکت دارای یک معنی واحد نیست، بلکه در بردارنده‌ی عوامل مرتبطی است که ممکن است در جریان تصمیم‌گیری یک سازمان و با لحاظ گوناگونی راهها و روشها تعریف گردد.



عامل اصلی این مفهوم عبارتند از: «تأثیرپذیری»، «عکس العمل» و «تقسیم اطلاعات» (صفحه ۳۷ - ۳۶).

از تعریف مشارکت می‌توان مفاهیمی چون درگیری، تلاش، تأثیرپذیری، عکس‌العمل، تقسیم اطلاعات، موقعیت یابی و مشکل، مشارکت در تصمیم‌گیری و نظایر آن را استنباط نمود. در بعضی از نوشته‌ها و تحلیل‌ها بر یکی از موارد تکیه شده و دیگر موارد نادیده گرفته شده است. به نظر می‌آید که مشارکت کامل بایستی در رزانه‌های همه و یا اکثر موارد فوق‌الذکر باشد.

مشارکت مردمی در توسعه اجتماعی - نضادی از چندین جهت قابل بررسی می‌باشد.

۱. از دیدگاه فرد مشارکت‌کننده، بدین معنی که مشارکت‌کننده چه چیزی را برای مشارکت در عمل ارائه می‌کند و شخصیت، رفتار، احساسات و تجربیات او چه تأثیری در روند مشارکت باقی می‌گذارد. همچنین شخصیت او به چه میزان از روند مشارکت متأثر می‌شود و چه نتایجی برای او در پایان مشارکت حاصل می‌گردد. این نحوه بررسی نوعی برخورد جزئی و روان‌شناختی است. دومین نگاه از سوی گروه می‌باشد. بدین معنی که اثر متغیرهای ساختی برعکس‌العمل گروه مشارکت‌کننده یا گروهی که فرد مشارکت‌کننده متعلق به آن می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوع توجه در گرایش حد متوسط (MEZO) بوده و صرفاً به بیان رابطه‌ی فرد و گروه و گروه‌ها در کل جامعه می‌پردازد. در این دیدگاه است که نظریه‌ی مشارکت در سازمانها مطرح می‌گردد. سومین نگاه، بررسی مشارکت در حد کلی و کلان می‌باشد. در این دیدگاه به مشارکت اقشار، سازمانها و نهادهای اجتماعی پرداخته می‌شود و نقش سازمانها و نهادهای اجتماعی در کلیت ساختار جامعه مورد توجه قرار می‌گیرند.

مشارکت مردم در توسعه می‌تواند در هر سه زمینه‌ی فوق‌الذکر مورد توجه قرار

در پی نقد «طراحی از پیش» نیز می‌باشند (فنستر بوش Finsterbusch ۱۹۸۷). تنوع برداشتها به دلایل گوناگون قابل تقسیم می‌باشند: عده‌ای صرفاً به نتایج بدست آمده از مشارکت توجه نموده‌اند. بدین معنی که مشارکت را از لحاظ موفقیت یا عدم موفقیت طرحها مورد توجه قرار داده‌اند. (چل CHell ۱۹۸۴). در این بین عده‌ای مؤکداً معتقدند که تجربه نشان می‌دهد، طرحهای توأم با مشارکت به موفقیت‌های بیشتری نسبت به طرحهای از پیش طراحی شده دست یافته‌اند (فنستر بوش ۱۹۸۷، هگ Hage ۱۹۸۸ هگ و فنستر بوش ۱۹۸۵).

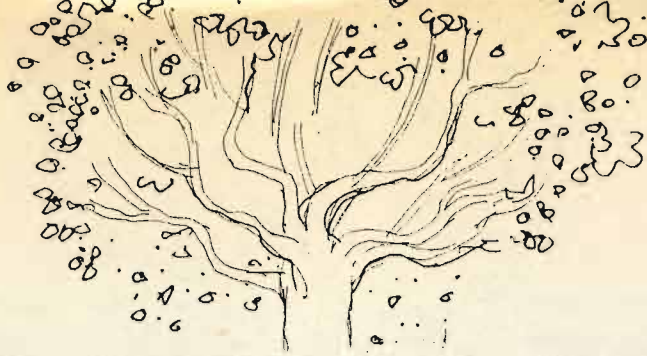
گروهی دیگر، در زمینه مشارکت، به بهبود وضعیت مشارکت‌کنندگان توجه نموده‌اند. این عده (گرن Gran ۱۹۸۲ و کوهن Cohen ۱۹۷۷) بر مفید بودن مشارکت مردمی در بهبود زندگی طبقات پایین جوامع اصرار دارند. گروه سوم مشارکت را در مراحل اجرایی مورد توجه قرار داده و کمتر به نقش مشارکت در زندگی مشارکت‌کنندگان توجه داشته است. این رو به روشهای متعدد اجرای طرحها (از قبیل مشارکت) توجه کرده‌اند. از این نظر، مشارکت در طرحها راه مطمئن و سریعی در تحقق اهداف طرحها تلقی گردیده است. گروه چهارم به مشارکت در جنبه ایده‌آلی و مطلوب بها داده‌اند. این عده (کورتن ۱۹۸۸ و گرن ۱۹۸۲) جامعه‌ی ایده‌آل را جامعه‌ای دانسته‌اند که بتواند طرحهای توسعه اقتصادی - اجتماعی‌اش را بر مبنای مشارکت مردمی بنا نهد.

دیدگاه مشارکت در توسعه به لحاظ نیروهای مشارکت‌کننده در آن نیز قابل توجه می‌باشد. زیرا دیدگاه یکسانی در باب مشارکت‌کنندگان وجود ندارد. عده‌ای مشارکت‌کنندگان را مردم و توده دانسته‌اند (کورتن ۱۹۸۸ و گرن ۱۹۸۲) عده‌ای سرمایه‌گذاران خارجی را به عنوان فعالان عمده در مشارکت تلقی کرده‌اند (اوتر ۱۹۷۸). آپموف (Upmoff ۱۹۷۷) از چهار گروه مشارکت‌کننده ساکنان محلی،

گیرد. یک طرح کلی از توسعه، مستلزم بیان هر سه سطح به طور مجزی و مرتبط است. طراحی بایستی در بردارنده‌ی مشارکت فرد، اثرات آن بر روند توسعه، مشارکت گروهی و مشارکت در کل جامعه باشد. تنها توجه به یکی از این سه سطح از مشارکت، تحلیل و ارزیابی ما را در روند توسعه و مشارکت نارسا خواهد ساخت. در این صورت زمانی که از مشارکت مردمی سخن گفته میشود، منظور فعالیت فردی، گروهی و سازمانی است که محور آن مردم باشند. در این نظر است که جامعه، امکان توسعه‌ی بیشتری می‌یابد و از طرف دیگر افراد شرکت‌کننده نیز به منافع و فوایدی دست می‌یابند.

برداشت‌های گوناگون از مشارکت:

دیدگاه مشارکت در توسعه طیف وسیعی از دیدگاههای گوناگون را در بر می‌گیرد. این دیدگاهها با یکدیگر متفاوت‌اند، ولی در یک جنبه‌ی اساسی اشتراک دارند. زیرا همه‌ی آنها حول محور مشارکت افراد ذی‌نفع دور می‌زنند و ضمناً



رهبران محلی، نیروهای دولتی و نیروهای خارجی نام برده است.
گرایشات گوناگون در برداشت مشارکت - بر اساس مشارکت کنندگان، اهداف، موفقیت طرحها، هزینه و زمان آن - می‌توانند زیر دو عنوان کلی مورد بررسی قرار گیرند. این دو عنوان عبارتند از: ۱. مشارکت توأم با مردم محوری (Center People) ۲. مشارکت توأم با تولید محوری (Production Center) که در ادامه بحث به بیان آن می‌پردازیم.

۱. مشارکت با مردم محوری: این دیدگاه در پی بیان نوع توسعه‌ای است که توأم با خلاقیت و توانایی نیروهای مردمی باشد، تا از این طریق نیروها، امکانات و منابع جهت مشارکت، فعال‌تر شده و نتایج بیشتری بدست آید. در این دیدگاه تمرکز بر مشارکت نیروهای محلی و ناحیه‌ای در افزایش تواناییها و توسعه بیشتر می‌باشد.

۲. مشارکت توأم با تولید محوری: این دیدگاه به نیروهای مشارکت کننده توجه ندارد، بلکه صرفاً نتایج طرحها و تولید بیشتر مورد نظر است. مشارکت مردم و دیگر نیروها صرفاً ابزاری برای افزایش تولیدات می‌باشد.

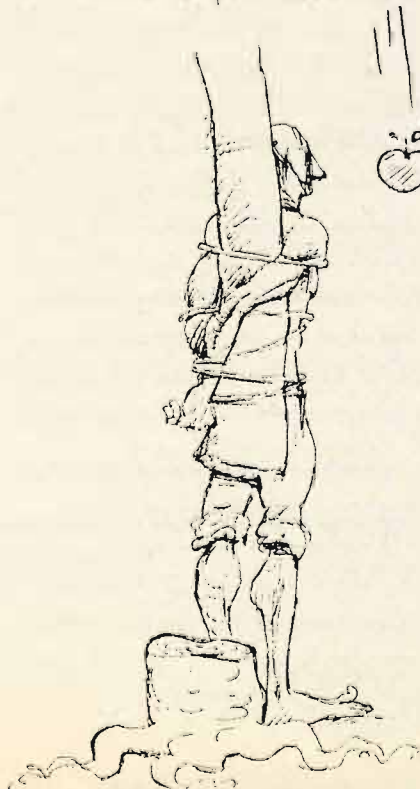
وجوه مشخصه‌ی این دیدگاه عبارتند از:
- حاکمیت صنعت بر کشاورزی
- تولید بیشتر
- برتری سرمایه بر نیروی انسانی
- بهره برداری از منابع جهت سود و تولید بیشتر
- تسلط تکنیک سیستم اداری بر عوامل دیگر
- سیستم متمرکز و سازمان یافته (کورتن ۱۹۸۴)

این دو برداشت در دیدگاه مشارکت در مقابل یکدیگر قرار دارند. به نظر می‌آید که تفکیک و شناخت این دو به صورت جدا از هم گام موثری در ارزیابی روند توسعه در مراحل گوناگون باشد. با توجه به این دیدگاههاست که می‌توان به ارزیابی این

نکته پرداخت که چرا کشورهای سوسیالیستی با توجه به مشارکت توده‌ها در بخش‌های کشاورزی و صنعتی به موفقیت‌های بزرگی دست نیافته‌اند و در مقابل، بعضی کشورهای آسیایی (تایوان و غیره) توانسته‌اند به موفقیت‌هایی دست یابند. به نظر می‌آید که توسعه در جهان سوسیالیستی بیشتر متوجه تولید بیشتر بوده ولی هرگز بهبود وضعیت مشارکت کنندگان مورد نظر نبوده است. در مقابل، در دیگر کشورهای روبه توسعه‌ی جهان سوم، هر چند که مشارکت بر اساس تولید بیشتر بوده ولی بطور نسبی بهبود وضعیت زندگی نیز مورد نظر بوده است.

دلایل موفقیت مشارکت مردم در توسعه:
دیدگاه مشارکت مردم در توسعه در مقابل دیدگاه «طراحی از پیش و متمرکز» طرح گشته است. از این رو دلایل موفقیت آن به ماهیت طرح مربوط می‌باشد که در زیر بدانها اشاره می‌گردد:

۱. مشارکت مردمی راهی به سوی فعال نمودن نیروی عظیم توده‌ای است که در



روند مشارکت مستمر با موانع و مشکلات آشنا گردیده و این خود موجب افزایش آگاهی آنان در مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان می‌گردد.

۲. مشارکت مردمی وسیله‌ای جهت افزایش منابع مورد نیاز در سطوح متعدد طرحها می‌باشد. زیرا افراد شرکت کننده در طرحها امکان دست یابی به منابع متعددی را دارند و می‌توانند در اجرای طرحها از آنها استفاده کنند.

۳. این نوع مشارکت عاملی در فعال نمودن نیروها، افزایش منابع مورد نیاز، شناخت موانع و مشکلات و در نهایت ایجاد سرعت در انجام طرحها می‌گردد.

۴. مشارکت وسیله‌ی بسیار مطمئنی برای کاهش هزینه‌ها، جمع آوری اطلاعات لازم در امر برنامه‌ریزی و اجرای طرحها می‌باشد.

۵. مشارکت، میزان سرمایه‌گذاری برای شناخت اهداف و سیاستها را در سطح عمومی کاهش می‌دهد و زمینه ساز اجرای طرحهای اساسی و عمده در توسعه می‌باشد.

۶. در روند مشارکت، کسانی که در گیر اجرای طرحها هستند نوعی علاقه و همدلی با محتوای روش‌های افراد، سیاستها و نتایج مربوط به آن پیدا می‌کنند و در مراحل گوناگون به دفاع از آن می‌پردازند.

۷. ایجاد امکان پذیرش نوآوری و خلاقیت افراد مشارکت کننده در طرحها، خود وسیله‌ای برای حمایت بیشتر از نیروهای فعال و جوان جامعه می‌باشد. این نیروها که دارای توان کافی در سازمان دادن طرحها می‌باشند وسیله‌ی عمده‌ی موفقیت طرحها می‌گردند. از طرف دیگر، این نیروها بدون اینکه نیازمند به ارتباط با سازمانهای دولتی باشند در صورت بروز در رفع آن تلاش می‌کنند و موجب تسریع تحقق اهداف طرحها می‌گردند.

۸. به لحاظ ارتباط بنا واحدهای کوچک، نیروهای فعال، منابع داخلی، و استعدادها موجود در درون جامعه، میزان

وابستگی به نوعی استق می‌گردد و ک بیشتری انجا عوامل موثر مردم در تو مشارک اجتماعی، بر دارنده‌ی ۱. مشار روند اجرا مش نیر جه ه آموزش اهداف و موانع آموزش خواهد ۲. طرحها نیروهای ۳. رهبران آموزش طرح به عنوان کار گرای جنبه ایده یا

یکی به خارج از محیط کمتر شده، استقلال کاری و فکری ایجاد کرد و کارها و برنامه‌ها با سرعتی انجام می‌گردند.

مؤثر در موفقیت بیشتر مشارکت در توسعه:

مشارکت مردم در توسعه اقتصادی - یعنی، زمانی مفیدتر خواهد بود که در بدی شرایط زیر باشد:

مشارکت با آموزش موارد لازم در اجرای طرحها توأم باشد. از طریق

بوش (۱۹۸۸) به طرح رابطی زمینها و شرایط با میزان موفقیت طرحهای توأم با مشارکت پرداخته است. او در این طراحی به نکات زیر توجه نموده است:

- به نظر او بین سطح توسعه و موفقیت مشارکت، رابطه وجود دارد، زیرا در اجتماعی که تاحدی توسعه یافته باشد یا زمینهای توسعه داشته باشد، امکان مشارکت مردم، بیشتر وجود دارد. بدین معنی که در جامعه‌ای که میزان افراد با سواد مناسب باشد روند توسعه امکان پذیر خواهد گردید

مشارکت مردمی راهی به سوی فعال نمودن

نیروی عظیم توده‌ای است و وسیله‌ای

جهت افزایش منابع مورد نیاز و کاهش

هزینه‌ها در سطوح متعدد طرحها می‌باشد.

۱. مردم و نیروهای درگیر در طرح با توان و سیاستها آشنا شده، مشکلات و رفع اجرای طرحها را خواهند شناخت. روش وسیله‌ای برای رفع موانع توسعه

۲. دومین نکته در نزدیک سازی اهداف آنها و برنامه‌ها با شرایط و موفقیت برای درگیر در طرحها می‌باشد.

۳. سومین نکته اهمیت دادن به نقش بران محلی است. این رهبران از طریق روش، امکان مشارکت مستمر و مفید در آنها را خواهند یافت و در اغلب موارد توان مشاوران محلی و مجریان مفید به گرفته خواهند شد.

۴. در طرحها بایستی جنبه تمرکز برایی، اداری و رسمی کاهش یافته، بهای غیر تمرکزی و انسانی توسعه یابد.

۵. بایستی تعارض طرحها با عقاید، باورها و فرهنگ مردمی از بین برده شود.

۶. موفقیت طرحهای توأم با مشارکت برابط گوناگون در رابطه است. فیستتر

در صورتی امکان پذیر است که یک دولت قوی مرکزی وجود داشته باشد که در جهت منافع ملی در حرکت باشد.

- سطح تمرکز گرایی. اگر طرحها از تمرکز گرایی بالایی برخوردار باشند، از میزان موفقیت آنها کاسته خواهد گردید؛ زیرا امکان مشارکت مردمی کاهش خواهد یافت.

- بعد طرحها. عنصر عمده‌ی دیگر در موثر بودن مشارکت مردمی در توسعه، اندازه یا وسعت طرحها می‌باشد. اگر طرحهای اجرایی در بعد وسیعی تهیه گردند میزان موفقیت طرحها با وجود مشارکت کاهش خواهد یافت. زیرا این نوع طرحها به سازماندهی متمرکز و روابط غیر رسمی متکی هستند. موفقیت طرحهای توأم با مشارکت، زمانی امکان‌پذیر است که طرحها در محدوده‌ی کوچک تهیه شده باشد. در این صورت افراد براساس روابط خویشاوندی، ملی و دینی خواهند توانست مفید واقع شوند.

۷. سودمندی و بهره‌دهی. این نوع طراحی - مشارکت - عامل اصلی کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره دهی واحدهای کار خواهد گردید؛ زیرا سعی بر کاهش زمان، جلوگیری از صرف هزینه‌های زاید و تناسب اهداف با موفقیتها است.

۸. گسترش خود بخودی. در جریان توسعه‌ی توأم با مشارکت مردمی، طرحها به نقاط گوناگون سرایت می‌کنند و مردم بدون اینکه نیازمند به مدیریت و کنترل از بالا باشند به اجرای طرحهای مشابه خواهند پرداخت. از این رو این طرح به کاهش هزینه‌های دولت و بوروکراسی خواهند انجامید.

۹. ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمانه ما

بین مردم و نیروهای دولتی. این یکی از نتایج و فواید مثبت مشارکت مردمی در طرحها می‌باشد. افراد در اثر مشارکت با مشکلات، هزینه‌ها، نیازها و تواناییها آشنا می‌شوند و در ضمن کمک به نیروهای

و موانع کاهش خواهد یافت. یا در اجتماعی که تأسیسات عمومی داشته باشد، موفقیت بیشتری خواهد داشت.

- بین سطح مهارت مشارکت کنندگان و موفقیت طرحها رابطه‌ای وجود دارد. اگر افراد مشارکت کننده تا حدودی از مهارتهایی برخوردار باشند، طرحها بهتر صورت خواهد پذیرفت.

- سطح تکنولوژی. به نظر او طرحهایی میتوانند با مشارکت مردمی توأم باشند و به موفقیت بیشتری دست یابند که از بار تکنولوژیکی کمتری برخوردار باشند. به عنوان مثال، طرح سد سازی کمتر می‌تواند توأم با مشارکت مردمی باشد زیرا مستلزم تکنولوژی پیشرفته می‌باشد. ولی طرحهای توسعه‌ی کشاورزی، ایجاد تأسیسات عمومی و غیره می‌توانند با مشارکت بیشتر مردمی توأم باشند. در طرحهای با تکنولوژی پیچیده مشارکت سرمایه گذاران داخلی و خارجی ضرورت دارد و در نتیجه تسلط نیروهای مردمی کاهش می‌یابد. تسلط مردم

اجرای دولتی، نوعی همدلی و دوستی نیز با آنها پیدا خواهند نمود. از طرف دیگر، نیروهای دولتی نیز با مشکلات مردم آشنا شده، با آنها روابط انسانی پیدا خواهند نمود.

۱۰. مشارکت مردمی خود وسیله‌ای است برای کاهش یا رفع تسلط نیروی بیگانه. سرمایه‌گذاری، حمایت، فعالیت، نظر دهی و آشنایی با طرحهای توسعه موجب کاهش حاکمیت نیروهای بیگانه بر مملکت خواهد بود.

۱۱. مشارکت در بیشتر مراحل طرحها. اگر امکان مشارکت مردم در مراحل گوناگون طراحی، اجرا، بهره‌گیری و ارزیابی فراهم گردد میزان مشارکت افزون خواهد گردید.

موانع مشارکت مردمی:

مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی - اجتماعی موانع متعددی را پیش رو دارد که شناخت این موانع و تلاش برای رفع آنها از گامهای موثر می‌باشد.

۱. یکی از عمده‌ترین موانع و مشکلات، طراحی جزئیات و ارتباط آن با بودجه می‌باشد؛ زیرا لازم است که نکات بسیاری مورد توجه قرار گیرد. نیروهای درگیر در سطوح متعدد فرهنگی - اجتماعی قرار دارند و امکان ایجاد مشکلات جدید برای طرحها وجود دارد.

۲. شناخت توانایی و انگیزه‌های موجود برای مشارکت توده‌ها نیز مهم است. در صورتی که آشنایی با آنها وجود نداشته باشد امکان طراحی نامناسب با انگیزه‌ها و

تواناییها پیش خواهد آمد. در این صورت تحقیق و بررسی ضرورت دارد.

۳. افراد مشارکت کننده به لحاظ پایین بودن سطح تلاش و آگاهی نیاز به آموزش دارند. آموزش خود در بردارنده‌ی هزینه‌های هنگفتی خواهد بود و نیاز به زمان بیشتری ضرورت خواهد یافت. (فیسنر بوش ۱۹۸۷).

پایان

مشارکت در توسعه اقتصادی - اجتماعی بازگو کننده‌ی گرایش جدیدی در روند توسعه در جهان سوم می‌باشد. این دیدگاه در مقابل برداشت «طراحی از بالا به پایین» یا «طراحی از پیش» قرار داشته و بر اثر ضعف آن، توسعه یافته است. این دیدگاه با واحدهای کوچک، تکنولوژی ساده‌تر و سازماندهی غیر متمرکز در اجتماعاتی که زمینه‌ی نسبی توسعه را دارا می‌باشند، تناسب بیشتری دارد. در صورتی که دیدگاه «از بالا به پایین» و «طراحی از پیش» با واحدهای بزرگ نیازمند به تکنولوژی پیچیده انطباق دارد.

جوامع جهان سوم در روند توسعه با طرحهای کوچک و بزرگ، در سطح محلی و ملی، تکنولوژی ساده و پیچیده و سازمان متمرکز یا غیر متمرکز روبرو می‌باشند. از اینرو نمی‌توانند صرفاً بر طراحی «از بالا به پایین» یا بالعکس «از پایین به بالا» متکی باشند. بلکه هر دو دیدگاه به لحاظ شرایط متفاوت مورد استفاده و نیاز می‌باشند. توسعه‌ی روستایی که با جاده سازی، احیاء قنوات، ایجاد تاسیسات، تربیت نیروی

انسانی و امثال اینها توأم است، نیازمند مشارکت مردمی می‌باشد ولی ساختار سدهای بزرگ، ایجاد صنایع پتروشیمی، فعالیتهای از این دست کمتر به مشارکت مردمی متکی‌اند و بیشتر بر اثر طرحهای دقیق و مدیریت متمرکز می‌باشند.

منابع:

- Chell, Elizabeth. 1985 Participation and organization. London Books. New York.
- Finsterbusch, Kurt and Var Wicklin "Participation" 1987. 1989. Marylan University, College Park.
- Finsterbusch, Kurt. "studying sursess factors in Multiple cases" Univercity of Maryland, Department of Sociolosy, 1990.
- Gran, Gug. 1983 Development by people: citizens construction of a just World. Praeser Press.
- Hase, Secald and Kurt Finsterbusch. 1987 Orsanizational change an a Development stratesy. Lynne Rinner Press.
- Korten, c. David. 1980 "community organization and Rural Development: A Learning process Approach". public Administration Review.
- Korten, c. David. Getting to the 21th century: Voluntary Action and the Global Agenda. Kumarian Press. 1990.
- S. Uphoff, Norman. 1986 Local Institutional Development: An Analytical Sourcebook with Cases. Kumarian Press.
- Wall, T. D and Lischeron, J. A. 1977 Worker Particiipation: A Critique of the Literature and some Fresh Evidence. Maidenhead, MaGraw-Hill Book Co. (UK) Ltd.
- P.B. and Mishler, E. G. 1975 Work and well Being Harmondsworth: Penguin Books.
- D. Warr,

چون بهبود شرایط زندگی اکثریت مردم

یا طبقه پایین جامعه متضمن شرافت انسانی،

امنیت، عدالت و برابری است، لذا توسعه

یک امر محلی و مردمی است که هدف گیری

آن بیش از آنکه مسائل صرفاً اقتصادی باشد،

مسائل انسانی - اقتصادی است.